

تبیین و بازگویی موضوعات اخلاقی در باب دوم مرزبان‌نامه از طریق تصویرسازیهای ادبی با رویکرد به تشبیه، کنایه و استعاره

ناصر پورمرادی^۱، هوشمند اسفندیارپور^{۱*}، محمد حجت^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

سال هفدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۲، صص ۷۲-۴۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7426>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: تصاویر هنری و صورخیال در پیوند با زبان، دنیای اندیشه و خیال شاعر را بنمایش می‌گذارند. تحلیل و ارزیابی تصاویر خلق شده توسط هر یک از هنرمندان اعم از شعرا و نویسندگان، مشخص‌کننده نوع نگرش آنان نسبت به جهان پیرامون خویش است در این میان جایگاه صورخیال بیانی و تمهیدات ادبی از جمله تشبیه، استعاره و کنایه در راستای القای معنی، پراهمیت و انکارناشدنی است. در این مقاله هدف اصلی نگارندگان آن است که با تکیه بر یکی از ابواب مرزبان‌نامه (باب دوم) به بررسی نقش و جایگاه صورخیال در القای مفاهیم و بنمایه‌های اخلاقی منتظر سعدالدین وراوینی بپردازیم.

روش پژوهش: روش مطالعه در این مقاله توصیفی - تحلیلی و بشیوه استقرایی است. داده‌های حاصل از پژوهش با مراجعه به باب دوم مرزبان‌نامه گردآوری شده است و مبنای مطالعات، روش کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های معتبر علمی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که وراوینی بمنظور ملموس‌سازی بسیاری از مفاهیم اخلاقی و تعلیمی، از کارکرد بلاغی تصاویر بخوبی بهره برده است و در این میان بمیزان بیشتری از تصاویر تشبیهی بهره گرفته است.

نتایج پژوهش: نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن است که مفاهیمی چون عدم دل‌بستگی به دنیا، پرهیز از بیخردی، توجه به عاقبت‌اندیشی، دوری از اسراف و تبذیر، وفاداری، چاره‌اندیشی، دوری از نفس‌پرستی، تمسک به دوستان حقیقی و مفاهیمی از این قبیل بیشترین مضامین اخلاقی مورد توجه در باب دوم مرزبان‌نامه است.

تاریخ دریافت: ۰۸ دی ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۰ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۲ فروردین ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

مرزبان‌نامه، سعدالدین وراوینی، تصویر، متون تعلیمی، آموزه‌های اخلاقی.

* نویسنده مسئول:

esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir

۳۳۵۲۱۹۵۸ (۹۸ ۳۴) (+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Explaining and recounting moral issues in the second chapter of Marzbannameh through literary illustrations with an approach to simile, irony and metaphor.

N. Pourmoradi¹, H. Esfandiarpour^{1*}, M. Hojjat²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 29 December 2023

Reviewed: 30 January 2024

Revised: 14 February 2024

Accepted: 31 March 2024

KEYWORDS

Marzbannameh, Saaduddin Varavini, picture, Didactic texts, moral teachings.

*Corresponding Author

✉ esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir

☎ (+98 34) 33521958

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Artistic images and images in connection with language show the world of the poet's thoughts and imagination. The analysis and evaluation of the images created by each of the artists, including poets and writers, determines the type of their attitude towards the world around them. It is undeniable. In this article, the main goal of the authors is to examine the role and position of Sorkhayal in instilling the concepts and moral foundations considered by Saad al-Din Varavini, relying on one of the chapters of Marzbannameh (Chapter II).

METHODOLOGY: The study method in this article is descriptive-analytical and inductive. The data obtained from the research has been collected by referring to the second chapter of Marzbannameh and the basis of the studies is the library method and reference to reliable scientific databases.

FINDINGS: Findings of the research: The findings of the research indicate that Varavini has made good use of the rhetorical function of images in order to make many moral and educational concepts concrete, and in the meantime, he has used metaphorical images to a greater extent.

CONCLUSION: The results of the research show that concepts such as not being attached to the world, avoiding stupidity, paying attention to thinking about the future, avoiding extravagance and extravagance, loyalty, thinking of solutions, avoiding selfishness, clinging to true friends and concepts of this kind are the most. The moral themes of interest are in the second chapter of Marzbannameh.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7426>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 0	 2

مقدمه

مرزبان‌نامه از آثار ارزشمند نثر فنی است که توسط وراوینی در آغاز سده هفتم (۶۲۲ - ۶۱۷ ه. ق) برشته تحریر درآمد. بر اساس توصیف پژوهشگران و محققان برجسته زبان و ادبیات فارسی، مرزبان‌نامه یکی از شاهکارهای برجسته و بلامنازع نثر فنی و مزین و یکی از کتب قابل توجه ادبیات کلاسیک ایران است که ارج و اعتبار بسیاری دارد (ر.ک صفا ۱۳۶۹: ۲ / ۱۰۰۶، بهار، ۱۳۹۱: ۳ / ۱۹). وراوینی در مقدمه کتاب علت نگارش آن را اینگونه بیان مینماید که «چون ظاهری آراسته نداشت، دواعی رغبت از باطن خوانندگان بتحصول آن متداعی نیامد» (وراوینی، ۱۳۸۷: ص ۲۱). از سویی، این اثر ضمن برخورداری از ارزش ادبی، مؤلفه‌های بسیاری از مسائل اخلاقی و تعلیمی را در خود مستتر دارد تاجاییکه وراوینی کوشیده است تا با کشف روابط تازه مابین امکانات زبان، صورخیال و درونمایه‌های اخلاقی، واقعیات بسیاری را با ارزش بلاغی در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی مشحون از حکایات آموزنده‌ای است که از زبان شخصیت‌های مختلف، سعی در انتقال مفاهیم ارزشمند اخلاقی دارد؛ تا جایی که بخش عظیمی از این کتاب در موضوعات اخلاقی تدوین شده است که نشان از اهمیت این مسأله در ذهن و اندیشه مؤلف دارد. مسأله اصلی پژوهش پیش رو آن است که صورخیال در مرزبان‌نامه چه نقشی در تثبیت و بیان مفاهیم اخلاقی و تعلیمی دارد؟ فرضیه اصلی جستار حاضر آن است که این صور خیال، ابزار تولید گفتمان اخلاقی و بنوعی سامان‌دهنده افکار خاص وراوینی در زمینه مسائل تعلیمی هستند و کاربرد انواع صورخیال از جمله (تشبیه، کنایه و استعاره) در این اثر صرفاً بمنظور آرایش سخن و یا هنرنمایی نبوده، بلکه هدف وراوینی غیر از پیروی از شاخصه‌های نثر فنی، اقناع مخاطب به لحاظ اخلاقی و انتقال درونمایه‌های تعلیمی نیز بوده است.

ضرورت و هدف پژوهش

بخشی از ساختار فکری و اندیشگانی متون تعلیمی از جمله مرزبان‌نامه بواسطه بهره‌گیری از صورخیال از جمله تشبیه، استعاره و کنایه در اختیار مخاطبان و خوانندگان قرار گرفته است. در این صورخیال، درسها و نکات اخلاقی و معرفتی قابل توجهی پنهان است که درک و خوانش آنها، سبب افزایش سطح آگاهی و شناخت مخاطب از مقاصد اخلاقی و تعلیمی این اثر ارزشمند میشود. از این رو، بازخوانی درونمایه‌های اخلاقی مرزبان‌نامه که بکمک صورخیال ارائه شده است، این امکان را در اختیار پژوهشگران قرار میدهد تا به کیفیت افکار وراوینی و نیز میزان توانمندی او در جهت القای مفاهیم پی ببرند. توجه به این مسأله، ضرورت انجام جستار حاضر را به اثبات میرساند. از آنجا که استفاده از صورخیال علاوه بر نشان دادن قدرت طبع و هنرمندی نویسنده، انعکاس دهنده فردیت و توانایی خاص نویسنده نیز هست، از طریق تحلیل و مطالعه این تصاویر تکرار شونده در یک متن، میتوان ارتباط و پیوند آن با دیدگاه‌های هنرمند و حتی مخاطب را، درک و دریافت نمود؛ از این رو میتوان گفت استفاده وراوینی از تصاویر خاص به سبب تفهیم مطلب به مخاطبان بوده است، لذا یکی از اهداف اصلی این جستار، یافتن ارتباط میان بهره‌گیری از تصاویر با «زیست جهان فکری» سعدالدین وراوینی است.

پیشینه پژوهش

در خصوص زیبایی‌شناسی نثر مرزبان‌نامه و جنبه‌های بلاغی آن تاکنون پژوهشهای مختلفی منتشر شده است که از آن میان میتوان موارد زیر اشاره نمود. پورنامداریان (۱۳۵۷) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به تصویرآفرینی در مرزبان‌نامه» با مروری گذرا به خصائص نثر فنی، اهم تصاویر بلاغی این اثر برجسته از جمله استعاره و تشبیه را

مورد توجه قرار داده است. خطیبی (۱۳۶۶) در کتاب «فنّ نثر در ادب پارسی» ضمن پرداختن به نثر فنی و ویژگیهای آن، به سبک نثر کتاب مرزبان‌نامه توجه نموده و برخی از ویژگیهای خاص و نکات سبکی منحصر بفرد این اثر در زمینه بلاغی، از جمله ایهام را مورد توجه قرار داده است. نادری (۱۳۹۵) در کتاب «بازتاب علوم بلاغی؛ بدیع و بیان در مرزبان‌نامه» صورخیال بکار گرفته شده در این کتاب را تحلیل و ارزیابی نموده است.

ذبیح (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زیبایی‌شناسانه نثر کتاب مرزبان‌نامه» با نگاهی نقادانه به عناصر زیبایی‌شناسی سخن در این اثر به این نکته توجه نموده است که مرزبان‌نامه گرچه اثری تعلیمی و اخلاقی است اما گاه بهره‌گیری وسیع از انواع آرایه‌های لفظی و معنوی و تعلق خاطر شدید وراوینی به «چگونه گفتن» بجای «چه گفتن» او را از بیان مطلب تا حدود بسیاری باز میدارد.

ترک‌لادانی و رحیمی‌رکنی (۱۳۹۶) در مقاله «پردازش شخصیت و درونمایه اخلاقی در دو اثر مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی و فابلهای ژان دولافنتون» بصورت تطبیقی بمطالعه نحوه شخصیت‌پردازی دو هنرمند در بیان اندیشه‌های تعلیمی پرداخته‌اند.

قیداری و عسگری (۱۳۹۷) در مقاله «آموزش همدلی در کتابهای تعلیمی کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه» با توجه به مهارت اجتماعی «همدلی» به بحث و بررسی آموزه‌های اخلاقی در دو کتاب متون تعلیمی ادبیات کلاسیک ایران یعنی کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه پرداخته‌اند.

خدارحمی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «آموزه‌های تعلیمی در متون کهن با تکیه بر مرزبان‌نامه» به آموزه‌های تعلیمی این کتاب و اموری مانند مشورت کردن، همنشینی با صالحان، تفکر در عاقبت کار و اموری از این قبیل پرداخته است.

با توجه به جستجوی نگارندگان مقاله‌ای که به بحث و بررسی پیرامون نقش صورخیال در القای مفاهیم اخلاقی در مرزبان‌نامه پرداخته باشد، تاکنون منتشر نشده است، از این رو پژوهش پیش‌رو نوآورانه بحساب می‌آید.

روش پژوهش

روش تحقیق در این جستار بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه سندکاوی است. نگارندگان در این پژوهش جهت دستیابی به نتایج بهتر تحقیق و ارائه شواهد، بر روی باب دوم از ابواب هشتگانه این کتاب بر اساس نسخه تصحیح شده خلیل خطیب‌رهبر تمرکز نموده‌اند. انتخاب این باب بشیوه تصادفی بوده است و از آنجا که قدرت تصویرپردازی وراوینی در تمامی ابواب تقریباً یکسان است و نکات اخلاقی و تعلیمی نیز در سرتاسر این اثر بصورت تقریباً زیادی مورد توجه قرار گرفته است؛ روش نظام‌مند و سیستماتیک بر روی باب دوم تمرکز نموده‌ایم تا نتایج بدست آمده را بشیوه استقرایی و قیاسی به کلّ اثر تعمیم دهیم. لذا روش پژوهش در این مطالعه بصورت توصیفی - تحلیلی بر مبنای روش استقرایی و قیاسی خواهد بود. مبنای نظری مقاله بر این پایه استوار است که نویسندگان متون تعلیمی مانند سعدالدین وراوینی از انواع صورخیال برای تأکید آموزه‌های اخلاقی بهره می‌برند. کاربرد این صور برای القای مفاهیمی چون لزوم توجه به درایت، عاقبت‌اندیشی، توکل، صبر و... مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب نظری

پژوهشگران و صاحب‌نظران متقدم و متأخر که پیرامون صورخیال به بحث و بررسی پرداخته‌اند، بیشتر به ماهیت عاطفی، کارکردهای زیبایی‌آفرینی، بحث از شگفتی‌سازی این صورخیال و نوآوریهای هنری بکمک آن توجه داشته

و اشاره کرده‌اند. از دید این پژوهشگران، یکی از اصلیت‌ترین ملاک‌های تأثیرگذاری آثار ادبی، میزان نوآوری، جنبه‌های شاعرانه و کاربرد این صورخیال در سخن است و بیشتر کوشش‌های اهل فن، معطوف به بازشناسی ارزش هنری این آرایه‌ها در حوزه شعر بوده و ملاک آنها در تشخیص نقصان یا کمال یک اثر از حیث بهره‌گیری از صورخیال، غالباً ذوقی بوده است. اما آنچه در متون منتور تعلیمی در خور باریک اندیشی و بازبینی است، مایه‌های اخلاقی این صورتهای خیالی و اهداف نهایی و غایی نویسندگان آنهاست. در نشرهای تعلیمی از جمله مرزبان‌نامه، نویسنده میکوشد با بهره‌گیری از شگردهای بیانی و ترفندهای گوناگون اندیشه‌ها و باورهای خود را بمخاطبان القا کند. تنوع صورتهای خیالی در متون منتور تعلیمی جهت ادای یک مفهوم خاص، مؤید تلاش نویسنده در جهت ارائه اندیشه‌های خویش است.

ماهیت تصویر

تصویر از جمله مفاهیمی است که با ذهن و اندیشه ارتباط نزدیکی دارد. «در مباحث ادبی، خیال و تصویر در برابر Image و Imagery بمجموعه تصرفات بیانی و مجازی اطلاق میشود که گوینده با کلمات تصویر میکند و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده ایجاد می‌نماید» (داد، ۱۳۸۵: ص ۱۳۹). از این رو میتوان گفت، تصویر عنصر اصلی مخیل ساختن کلام اعم از شعر یا نثر است که از رهگذر زبان مجازی یا توصیفی و بکمک شگردهای بیانی مانند تشبیه، استعاره، کنایه و... بوجود می‌آید. آنچه که یک هنرمند را از سایر افراد متمایز مینماید، در واقع میزان قوه تخیل اوست که سبب میشود نگاه خیال‌انگیزی به رویدادها و پدیده‌های عادی و طبیعی داشته باشد؛ نگاهی که با زاویه دید یک فرد عادی و معمولی، گاه بسیار متفاوت است. هنرمند با استمداد از قدرت خیال‌پردازی و نازک اندیشیهای ذهن از پدیده‌ها و رخدادهای طبیعی، تصاویری می‌سازد که سایرین را به شگفتی و تحسین وامیدارد. و دقیقاً بپشتوانه همین توانمندی و توانایی است که «آثار ادبی، صحنه‌ها یا مقولات طرز تفکرهای مؤلف را میکاوند و اغلب میکوشند تا آنها را به زانو درآورند یا از نو شکل دهند و نشانمان میدهند که چگونه به چیزی فکر کنیم که زبانمان پیشتر آن را پیشنهاد نکرده و وادارمان میکند بمقولاتی که بنا به عادت در قالب آنها بجهان مینگریم، دقت کنیم» (کالر، ۱۳۸۲: ص ۸۱). «کهنترین سخن درباره صور خیال شعری [در بلاغت اسلامی] را در کتاب الحیوان اثر جاحظ مصری - ف ۲۵۵ هـ. ق - ادیب نامدار عرب میتوان یافت. وی اصطلاح تصویر را در تعریف شعر بکار برده و گفته: شعر گونه‌ای از بافندگی و نوعی تصویر است» (جاحظ، ۱۴۲۳: ۳ / ص ۱۳۲؛ ر.ک فتوحی، ۱۳۸۵: ص ۳۹). شفیعی کدکنی در کتاب «صورخیال در شعر فارسی» در تعریف تصویر آورده است: «تصویر بمجموعه تصرفات بیانی و مجازی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تمثیل، نماد، اغراق و مبالغه، اسناد مجازی، تشخیص حس‌آمیزی، پارادوکس و... اطلاق میشود» (۱۴۰۱: صص ۹ و ۲۱). «اغلب منتقدان و بلاغیون، تصویرگری را نمایش و بیان تجربه حسی بوسیله زبان دانسته و گفته‌اند: ایماژ، تصویر حسی است که در ذهن نقش مینندد، از این رو آن را تصویر درونی یا ذهنی^۱ نامیده‌اند. غالباً تصویر را به حس بینایی محدود کرده‌اند... اما پر واضح است که تجربه حسی، محدود به امور دیداری نیست از این رو حیطه تصویر میتواند تمامی تجربی را که با حواس مختلف تجربه میکنیم، مجسم کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ص ۴۳). از این رو در رایجترین تعریف که هم در بلاغت سنتی و هم در

^۱. Mental picture

نقد ادبی جدید پذیرفته شده است، تصویر عبارت است از «هر گونه تصرف خیالی در زبان» (همان: ۴۴). و اصطلاح تصویرپردازی برای کلیه کاربردهای «زبان مجازی»^۱ میتواند بکار رود.

خوشه‌های تصویرساز در متون اخلاقی و تعلیمی

نمایاندن افکار، احساسات، اندیشه‌ها، ایده‌ها و اعمال و یا هر حس و تجربه حسی و یا عقلی از طریق زبان و به یاری و کمک گرفتن از نیروی خیال در مباحث ادبی، تصویر^۲ یا تصویرپردازی^۳ نام دارد. همانگونه که نقاش بکمک ترسیم خطوط میتواند اندیشه یا احساس خود را به مخاطب عرضه نماید، بهمان صورت نیز شاعر یا نویسنده با چینش واژگانی و بهره‌گیری از تصاویر میتواند مفهومی را به مخاطب منتقل نماید؛ بدیگر سخن میتوان گفت «تصویر حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغیر است بوسیله کلمات در یک نقطه معین» (براهنی، ۱۳۸۰: ۱ / ص ۱۱۳). هر چند بهره گرفتن از کارکردهای هنری زبان از رهگذر صورخیال، اغلب بجهت نشان دادن قدرت طبع هنرمند و آفرینش هنری است؛ اما در متون تعلیمی کارکردی ارجمندتر نیز برای این صورخیال میتوان متصور بود و آن نزدیک ساختن درونمایه و مضمون به اندیشه و ذهن خواننده است؛ شاید به این دلیل باشد که از میان مکاتب گوناگون ادبی، مکتب سمبولیسم، بحثهای بیشتری را در خصوص رابطه تصویر و احساس و اندیشه هنرمند ارائه داده است. به اعتقاد پیروان این مکتب، صورخیال در خدمت اندیشه متعالی یک اثر است و تصاویر، مفاهیم نا آشنا را آشنا میسازند و بهمین دلیل مهمترین عنصر متن محسوب میشوند (ر.ک علوی مقدم، ۱۳۷۷: صص ۱۴ - ۱۵). نکته قابل توجه و حائز اهمیت آنکه در متون نثر فنی اساساً موضوع، مخاطب و نحوه بکارگیری زبان و نیز هدف از نگارش متن بسیار متفاوت است. در نثرهای تعلیمی دیگر، عموماً سادگی مطلب و ساختار روایی خطی و مستقیم جریان دارد حال آنکه در متونی مانند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه اختیار قلم در دست ذهن و زبانی است که بیشتر سعی دارد با روایتهای تو در تو و پیچیده و ساختار غیر خطی به انتقال مفهوم بپردازد و در عین تعلیمی بودن به جنبه‌های شاعرانه توجه نماید؛ تا جایی که این قبیل متون به شعر منثور شباهت دارند که عناصر شاعرانه آنها جنبه سطحی و زینتی و یا عارضی ندارند بلکه جزء ماهیت و ذات آن اثر بحساب می‌آیند و باید اذعان داشت حذف این عناصر یا دگرگون ساختن آنها، در حقیقت منجر به از بین رفتن نثر میگردد. این تصاویر نه متأثر از شور و حال شاعرانه شاعرانی چون مولاناست و نه سبب آرایش کلام، بلکه بنظر میرسد هدف بیشتر تفهیم و تفاهم و انتقال معنا میباشد؛ گرچه غالباً - یا حداقل طبق متن مورد بررسی در این جستار - هسته اصلی این تصاویر تشبیه است و صورتهای گوناگون خیال بیشتر بر پایه تشبیه مایه گرفته و این درست همان شباهتی است که نیروی تخیل نویسنده در میان عناصر مختلف و اشیای گوناگون کشف مینماید و بیان میکند.

نثر فنی و توجه به بلاغت و صورخیال

نثر فنی را در میان ادوار گوناگون نثر فارسی میتوان از جمله غنی‌ترین نثرها یاد کرد که بنظر میرسد با کلیله و دمنه آغاز شده است و در ادامه اثر گرانمایه‌ای چون مرزبان‌نامه را در دل خود جای داده است. «مرا از این نثر [که مصنوع میباشد] روشی است که بر ایراد صنایع مختلف لفظی و آرایشهای معنوی و اطناب سخن از راه توصیفات

^۱. Figurative Language

^۲. Image

^۳. Imagery

دور و دراز و آوردن امثال و شواهد گوناگون از تازی و پارسی و بکار بردن اصطلاحات علمی و امثال آنها بنا شده باشد» (صفا، ۱۳۶۹: ص ۸۸۸). خطیبی در کتاب «فن نثر» در خصوص علاقه ایرانیان به آراستن سخن و استفاده از جنبه‌های زیبایی‌شناسانه در کلام آورده است: «ایرانیان از زمان قدیم به تزیین ظواهر کلام و استفاده از اسلوب فنی در مکاتیب و رسائل دیوانی و غیر دیوانی توجه داشته‌اند و نثر را به اقوال حکما و مواعظ و اشعار معنیات موشح ساخته‌اند» (۱۳۸۶: ص ۸۰). مرزبان‌نامه در زمانی انشا شد که در سبک و اسلوب نثرنویسی، مراعات دقایق و ظرافتهای لفظی و فنی و توجه به آرایشهای ظاهری کلام و بکار بردن صنایع گوناگون لفظی و معنوی بسیار رایج بوده در نثر فنی گاه نویسندگان چنان راه افراط و زیاده‌روی را در پیش می‌گرفتند که بجهت اظهار فضل و نشان دادن میزان توانمندی خود در بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی و صنایع لفظی و معنوی یا لغات و ترکیبات مهجور عربی، کلام خویش را با انواع تعقیدات انباشته می‌ساختند (ر.ک یوسفی، ۱۳۹۸: ۱ / ص ۲۷۲).

«نثر فنی نثری است که می‌خواهد تشبیه به شعر کند و بدین لحاظ هم از نظر زبان و هم از نظر فکر و هم از نظر مختصات ادبی دیگر نمیتوان آن را دقیقاً نثر دانست که هدف آن تفهیم و تفاهم و انتقال پیام بصورت مستقیم است، بلکه نثری است شعروار که مختل است و زبان تصویری دارد و سرشار از صنایع ادبی است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ص ۷۶). رواج نثر فنی و مصنوع سبب شد تا در سده‌های ششم و هفتم هجری بویژه، شمار زیادی از منشیان و نویسندگان بقصد هنرنمایی، بخش مهمی از ارزش ادبی اثر خویش را با هنرمندی در صورخیال گره بزنند و از ویژگیها و مختصاتی چون بهره‌گیری فراوان از آرایه‌های بیانی، بدیعی، کلام موسیقایی، درآمیختن نظم و نثر، اطناب و استفاده از واژه‌ها و ترکیبات عربی بهره گیرند؛ گرچه بقول پورنامداریان این نوع از تفاوت سبکی، مدیون تغییر ذائقه مخاطبان است (۱۳۸۴: ص ۳۰). به همین خاطر میتوان گفت اقتضای ذوق و پسند مخاطبان، نویسندگان را بر آن داشت تا نثر خود را به انواع آرایه‌های بلاغی آراسته نمایند و نویسندگان خوش ذوقی چون سعدالدین وراوینی برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر و بهتر بر مخاطبان خویش کوشیدند تا آثار خود را به انواع شگردهای خیال‌انگیز بیارایند و از سویی اهداف و اغراض تعلیمی خویش را بمخاطب منتقل کنند چنانکه وراوینی در هدف خویش از به رشته تحریر درآوردن مرزبان‌نامه و ترجمه آن از زبان طبری به فارسی دری میگوید: «تا هم کسوتی زبیده از دستباف قریحه خویش درو پوشم و حلیتی فریبنده از صناعات خاص خود برو بندم» (ص ۹).

درباره مرزبان‌نامه

مرزبان‌نامه یکی از آثار ارزشمند نثر فنی است که سعدالدین وراوینی در اوایل سده هفتم هجری قمری، متن اصلی آن را از گویش طبری به زبان فارسی دری و به سبک و سیاق نثر فنی، ترجمه نموده است. این کتاب در ابتدای قرن چهارم به قلم «اصفهد مرزبان بن رستم بن شروین» از ملوک منطقه طبرستان، بزبان طبری نگارش یافته و چند قرن بعد یعنی در آغاز قرن هفتم بدست سعدالدین وراوینی بزبان فارسی ترجمه شده است. آنچنان که از متن این کتاب برمیآید، وراوینی آن را به «ابوالقاسم ریب‌الدین هارون بن علی بن ظفر» از وزرای صاحب فضل «تابک ازبک بن محمد بن ایلوگز» تقدیم نموده است (ر.ک بهار، ۱۳۹۱: ۳ / ص ۱۵). آنچه که منابع معتبر برمی‌آید آن است که مصنف اصلی این کتاب، مرزبان بن رستم بوده است که مجموعه‌ای از داستانهای ایرانی را از منابع گوناگون جمع‌آوری نموده و در ابتدا به یکی از ملک‌زادگان و امرای طبرستان تقدیم نموده است (مجتبایی، ۱۳۹۰: ص ۹). باب دوم مرزبان‌نامه با عنوان «در پادشاه نیکبخت و سفارشهایی که فرزندان را به گاه مرگ نمود» با بیان حکایات اخلاقی، سعی شده تا در خصوص روند اصلی داستان - سوءظن شاه نسبت به برادر که تنه اصلی مرزبان‌نامه را

شکل داده است - سفارشهای اخلاقی لازم مورد توجه و تأکید قرار گیرد. باب دوم شامل وصیت‌نامه‌ای است که پادشاه مملکتی برای فرزندان خود، پیش از مرگ تهیه و تنظیم میکند و شامل دوازده اندرز است که همگی حول محور مسائل اخلاقی و از جمله دوستی و مهربانی، شکل گرفته است. در این باب از مرزبان‌نامه، وراوینی جنبه‌های اخلاقی و تعلیمی را بسیار مورد توجه قرار داده است نیکوکاری، صبر، شکر، توکل به خدا، توجه به مرگ، عدم دل‌بستگی به دنیا، قناعت و... از جمله اهم درونمایه‌های مورد توجه وی در این باب میباشد.

تحلیل داده‌ها

تشبیه: تشبیه خبری است که هدف گوینده آن برانگیختن عواطف، التذاذ ادبی، اعجاب‌انگیزی و بزرگنمایی است. این شیوه و شگرد هنری، خیال‌انگیزترین و غزترین عنصر بیانی است که در مرزبان‌نامه بمنظور تصرف ذهن مخاطب و بیان غیر مستقیم اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقی بکار رفته است. جوینی در این تشبیه‌ها بر مفاهیم اخلاقی از جمله تعقل، نکوهش عیاشی، پرهیز از اسراف، اهمیت بی‌تدبیری و بی‌وفایی، تاب‌آوری در مقابل سختیها برای رسیدن بسعدت را مدنظر قرار داده است. «تشبیه، هسته اصلی و مرکزی اغلب خیالهای شاعرانه است. صورتهای گوناگون و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا و عناصر مختلف کشف میکند و بصورتهای مختلف به بیان درمی‌آورد» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ص ۲۴). اصل تشبیه بر همانندی استوار است. «تشبیه استعمال لفظ در معنی حقیقی خویش است؛ غالباً در خاطرها، تأثیر قوی دارد و اطمینان‌بخش [است]؛ از آنکه ذهن را سویی از آنچه پنهان است و نامرئی، به چیزی رهنمون میشود که آشکار است و دیدنی و این خود به ذهن و خاطر شنونده آسایش میبخشد و او را بر وجود چیزی که نامرئی است و پنهان، مطمئن میکند» (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ص ۶۴). وراوینی با آگاهی از این مسأله اغراض خویش را مورد استفاده و توجه قرار داده است. بیشتر این تشبیهات محسوس هستند. این صور و شواهد آنها در مرزبان‌نامه به قرار ذیل است:

در بیان عاقبت‌اندیشی: وراوینی در «داستان غلام بازرگان» در توصیه به عاقبت‌اندیشی معتقد است که با تحمل سختیها، «حجاب تعدّر» در نهایت از بین خواهد رفت و دشواریها با تدبّر، پا بر جا نخواهند ماند:

«اکنون گوش به اشارت من دار و آنچه من فرمایم در آن احوال و تأخیر مکن و با تحمل مشاق آن حلاوتی که تا آخر بمذاق تو خواهد رسید برابر دیده دل نصب میکن تا روی مقصود به آسانی از حجاب تعدّر بیرون آید» (ص ۱۱۳)

در داستان «روبه و بط» وراوینی از عدم عاقبت‌اندیشی بط و فریفته شدن بسخنان دروغین وی نتیجه میگیرد که گاه خودآرایی و داشتن خُسنی، سبب زوال و نابودی فرد میگردد، از این رو باید در هر رفتار و کرداری، عاقبت امر را مدنظر داشت چرا که:

«جگر بط چون پر طاووس و بال او آمد و ممات او [بط] از منبع حیات پدید گشت» (ص ۱۵۷).

و نیز ترکیب «آیین خرد» برای توجه به عاقبت‌اندیشی:

«آن چشم بصیرت نداری که روی دوستی و دشمنی از آینه خرد ببینی» (ص ۱۶۴).

مرگ و ناپایداری آرزو: وراوینی فریبندگی دنیا و ناپایداری ظواهر و لذا ایز آن را بتصور کشیده و بعنوان آموزه‌ای اخلاقی مورد توجه قرار میدهد. تشبیهاتی از جمله «آفتاب فنا» و «ستاره عمر» که در آن ناپایداری عمر و زندگی را چنین توصیف میکند:

«امروز که ستاره بقای عمر من سیاه شد و روز عمر به آفتاب زرد فنا رسید مرا راهی در پیش آمد که از آن چاره نیست» (ص ۹۷).

وراوینی در تمثیلی که از عالم خلقت در داستان «غلام و بازرگان» بیان میکند عمر ناپایدار است و دنیا چون سراپرده قوس و قزح موقتی و زودگذر است:

«طاق و ایوان [این دنیا] چون سراپرده قوس و قزح رنگین و ناپایدار» (ص ۱۲۲).

وراوینی با این قبیل تشبیهات اعلام میکند که همانگونه که رنگین کمان موقتی است، عمر و دنیا نیز دائمی نیست و نباید به آن دلبستگی پیدا کرد.

«ملک از دارالغرور دنیا بسرای سرور آخرت پیوست» (ص ۱۷۴).

ترکیب تشبیهی سر رشته تدبیر، در عبارت زیر برای توصیه به عاقبت اندیشی در داستان بازرگان:

«تا آن سر رشته تدبیر که دیگران گم کرده بودند، بازیافت» (ص ۱۱۳).

در ستودن اعتماد و اعتصام: وراوینی در داستان «آهنگر و مسافر» ضمن توجه به دیو اماره نفس، «اعتماد و اعتصام» را به رسنی محکم و استوار تشبیه مینماید:

«من برسن اعتماد و اعتصام تو از چاه برآمدم» (ص ۱۵۰).

در مذمت بیخردی و بی آبرویی: در داستان «آهنگر و مسافر» وراوینی در توصیف چاهی عظیم با بهره گیری از تشبیه چاه تاریک به بیخردی، در حقیقت جهل و نادانی را مذمت مینماید و میگوید:

«[چاهی] چون رای بیخردان تیره و چون روی سفیهان بی آب» (ص ۱۴۴). در این مثال دو نکته اخلاقی یعنی خردمندی و ضرورت توجه به آبرومندی، مدنظر وراوینی بوده است.

توصیه به وفاداری: نویسندگان متون تعلیمی فضائل اخلاقی چون وفاداری را محور اساسی اندیشه های خویش میدانند و در ترغیب مخاطب به رعایت حق صحبت قدیم و وفای بعهد و وفاداری در حق معشوق بصورت های گوناگون در متون مختلف تعلیمی در ادبیات فارسی از جمله مرزبان نامه، شاهد تأکید و توجه نویسنده بر این موضوع میباشیم. وراوینی در تمثیلی دیگر از بیان روابط انسانی در داستان «روبا با بط» پیرامون روابط عاشقانه و عهد و وفای یاران میگوید:

«امروز میشنوم که او دل از ناشوهری تو برگرفته و بر خطبت مهترزاده میفرستد و حلقه تقاضا بر دری دیگر میزند که تو آنجا از جفت خویش چون کلید بر طاق و حلقه بر در مانی، تا او را ببند هرگز بجانب تو التفات صورت نبندد» (ص ۱۵۲).

در توصیف وفاداری زن نسبت به شوهر با تشبیه «حلقه انقیاد» آورده است:

«چه توان کرد؟ من نیز بر وفق احکام شرع گوش فرا حلقه انقیاد او دارم» (ص ۱۵۳).

بی توجهی به وسوسه های نفسانی: در باب دوم مرزبان نامه در ذکر «داستان آهنگر با مسافر» در ذکر تباهی نفس انسان و تلاش برای رهایی از دام آن با ذکر داستان تمثیلی از بیمار شدن شهزاد و حلول دیو در تن او میگوید: «دیو خناس همچو کناسی در تجاوزیف کاریز اعضا و منافذ جوارح او تردد میکرد» (ص ۱۴۸).

و در ادامه در شرح داستان و ارائه نکته اخلاقی آن میگوید: «بدانک اگر چ من برسن اعتماد و اعتصام تو از چاه برآمدم، آدمی را برسن دیو، فرا چاه نباید رفت... این فسانه از بهر آن گفتم تا تو دانی» (ص ۱۵۰).

پرهیز از ساده‌لوحی: وراوینی در داستان «رواه با بط» مخاطب خویش را به پرهیز از ساده‌لوحی و زودباوری دعوت میکند و در توصیف خدعه رواه در حق بط و فریفتن وی برای از میان برداشتن جفت خویش با گیاهی از «نباتهای هندوستان» با توصیفی تشبیهی میگوید:

«بط منت دار گشت و عشوه آن نبات چون شکر بخورد» (ص ۱۵۷).

پرهیز از دل‌بستگی به دنیا: پرهیز از دل‌بستگی به دنیا نیز از جمله درونمایه‌هایی است که در کتب اقناعی و تعلیمی چون مرزبان‌نامه، همواره مورد توجه قرار میگیرد. در این قبیل تصویرها، معمولاً دنیا به جیفه یا مزبله‌ای بی‌ارزش تشبیه میشود که قابل اعتنا نیست این تصویرسازی از آن روست که اولاً در بسیاری از متون دینی و روایی، ائمه معصومین (ع) تأکید و سفارش بسیاری به پرهیز و عدم دل‌بستگی به دنیا داشته‌اند و از دیگر سو، نویسندگانی مانند وراوینی با تأسی از این آموزه‌های دینی همواره سعی داشته‌اند مخاطب را پند و اندرز دهند. در بخشی از حکایت «داستان دهقان با پسر خود» در توصیف بی‌ارزشی دنیا آمده است:

«دنیا همه قاذوره‌ای است، در این قاروره شفاف گرفته» (ص ۱۶۲).

در مذمت دوری از دوستان نامناسب: از نظر وراوینی، برای آنکه فرد در زندگی نیکبخت باشد، باید از دوستان نامناسب و همراهان دغلکار دوری گزیند؛ در تأکید این معنی با تشبیه این قبیل دوستان آنان را به نقشهای دیوار و درخت خارستان نومیدی (خیبت) تشبیه کرده است:

«پدر گفت: آزمودم دوستان ترا و بدانستم که همه نقش دیوار اعتبارند و درخت خارستان خیبت که نه شاخ آن میوه منفعتی دارد که بدان دهان خوش کنند، نه برگ او سایه راحتی افکند که خستگان بدو پناهند» (صص ۱۶۸ - ۱۶۹).

«در توصیفی دیگر از دوستان و یاران شفیق و یکدل آنان را به «مغزبی‌پوست» تشبیه مینماید و میگوید: «بازرگان چون این همه دلجویی و تازه‌رویی و مهمان‌نوازی و نیکو خصالی ازو مشاهدت کرده با آن دوست که از روی معنی همه مغز بی‌پوست بود، از پوست به درآمد و مقصود کار با او در میان نهاد» (صص ۱۷۲ - ۱۷۳). وراوینی در نقدی بر اخلاق و منش دوست نمایان که آنان را به «مارماهی» تشبیه کرده است، ریاکاری را بشدت مورد مذمت قرار داده است.

«بناء روزگار، همه در لباس تکوین و نفاق، صفت دوررنگی دارند و در ناتمامی به مارماهی مانند» (صص ۱۰۱ - ۱۰۲).

قدردانی و سپاسگزاری: قدردانی در نظر وراوینی صفتی نیک است که باید مورد توجه قرار گیرد و اصلی مهم در رفتار و کردار انسانی و منش اخلاقی افراد بحساب می‌آید:

«بهترین گلی که در بوستان اخلاق بشکفت و نسیم آن مشام عقل معطر گردد، سپاسداری و شکرگزاری است و شکر مجلیه مزید نعمت و افزونی مواهب ایزد است» (ص ۹۷).

در این مثال تشبیه «بوستان اخلاق» و ادعای همانندی میان «اخلاق» به «باغ گل» قابل توجه است.

در ستایش گوش سپردن به نصایح خردمندان: وراوینی به اهمیت توجه به نصایح خردمندان و صاحب‌کمالان، این گونه سخنان را به دم مسیحایی تشبیه نموده است که جانهای مرده و خفته را پیدا میسازد و در تشبیهی دیگر، سخن بر مدار عقل و خرد را آب حیاتی بر می‌شمرد که در کام جان ریخته میشود:

«ملک‌زاده گفت: بدین کلمات فصیح نصیح، چون انفاس کلمه الله، المسیح دل مرده دیر ساله ما را زنده گردانیدی و خضروار، آب حیات حکمت در کام جان ما چکاندی» (ص ۱۲۳).

از این رو ناصح مشفق، دم مسیحایی دارد و در نگاه وراوینی، میتوان در سایه این انفاس، از برکت آثار بهره‌مند شد.

در نکوهش و مذمت توجه به نفس: وراوینی مخاطب را از توجه به نفس‌پرستی باز میدارد، چرا که شیطان نفس دیانت فرد را از بین ببرد. در عبارت زیر از مرزبان‌نامه تشبیه بلیغ «پرده دیانت» قابل توجه است: «اگر وقتی شیطان حرص، ترا به وسوسه خیانتی هتک پرده دیانت فرماید، خطاب ان الله یا مکرّم ان تودوا... پیش خاطر داری، بر این نسق عهده و پیمانی مستوسق بستند» (ص ۱۳۷). تشبیه بلیغ «شیطان حرص» در این مثال نیز کارکردی اخلاقی دارد. در مثالی دیگر «هوی و هوس» را به «باد» تشبیه کرده که پیروی از آن را سبب افلاس فرد میداند:

«پدر جمله به باد هوی و هوس بر داد» (ص ۱۶۵).

و در نتیجه‌گیری که از این پند اخلاقی میکند، بیان میدارد که چنین رفتارهایی «روز عمر» را به «شب افلاس» میکشانند:

«تا روزش، به شب افلاس رسید و کارش از ملبس حریر و اطلس با فرش پلاس و فراش کرباش افتاد» (ص ۱۶۵). دیگر نمونه‌ها

در توصیه به عدم دلبستگی به دنیا و تفکر در آخرت: «اکنون ای فرزندان مستمع باشید و خاطر بر تفهّم رمز این حکایت مجتمع دارید و بدانید که آن غلام که در کشتی نشست، آن کودک جنین است که از مبدأ تکوین... در اطوار خلقت میگردد» (ص ۱۲۰).

در توصیه به دوستی: «تا میان ما برادران حیائل موالات و روابط مؤاخات و همزادی در کشاکش منازعت گسسته نگردد» (ص ۱۲۹).

«عوان صدق و اخوان صفا که وجود ایشان از ذخایر روز حاجت باشد» (ص ۱۰۳).

در توصیف و تشبیه اخلاق نیکو و شایسته: «لیکن فرزند مهترین که باقعه‌القوم و واسطه‌العقد ایشان بود» (ص ۹۸).

در پرهیز از بدی و زشتی: «گفتار با کردار برابر دار و روی حال خویش به وصمت خلاف و سمت دروغ سیاه مگردان» (ص ۱۰۰).

در پرهیز از نفاق: «بناء روزگار همه در لباس تکوین نفاق صفت دورنگی دارند» (ص ۱۰۱).

کنایه: کنایه یکی از صورخیال در زبان است که در تعریف آن چنین آمده است: «[کنایه] در اصطلاح آن است که لفظی را بگوید و از آن لازم معنی حقیقی را اراده کنند، بشرط اینکه اراده معنی حقیقی نیز جایز باشد» (همایی، ۱۳۸۹: ص ۲۰۵). بر اساس آنچه در فرهنگهای لغت ذکر شده است اسم مصدر کنایه، در مقابل صراحت قرار دارد (ر.ک دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل کنایت). در اصطلاح کنایه عبارت است از لفظی که از آن «لازم معنا» اراده میشود. کنایه اسلوب بیانی است که بدلیل عدم صراحت در بیان معنا، شنونده را از لازم معنا بملزوم آن هدایت میکند (ر.ک سیوطی، ۱ / ص ۱۵۹). «کنایه را میتوان ایراد لفظ و اراده معنای غیرحقیقی آن دانست بصورتیکه معنی حقیقی [آن] را نیز بتوان اراده کرد» (تجلیل، ۱۳۷۶: ص ۸۴). کنایه بعنوان یک صورخیال میتواند مؤید مفاهیم بسیاری از جمله مضامین و آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی باشد. در مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی این آرایه علاوه بر آنکه مایه التذاذ ادبی است، ابزاری است برای القای این مفاهیم که در این بخش به آن خواهیم پرداخت.

آمادگی برای انجام امور: تعبیر «میان بستن» در عبارت زیر، کنایه از آمادگی برای انجام دادن امور (نیک) است

که وراوینی بکمک آن بار دیگر مفاهیم اخلاقی و تعلیمی مدنظر خویش را بمخاطب و خواننده مرزبان‌نامه، ارائه نموده است؛ در نصیحتی که پادشاه به فرزندان خویش بوقت مردن میکند آمادگی برای انجام امور و پرهیز از تن‌پروری و تن‌آسانی چنین مورد توجه قرار گرفته است:

«تا تو در بست و گشاد کارها میان جهدبندی، ترا هیچ کار نگشاید» (ص ۱۰۰).

پرهیز از اسراف و تبذیر: در نصیحت پادشاه به فرزندان خویش، وراوینی از زبان شاه که روزگار عمرش بسر آمده است چنین میگوید:

«باد دستی و تبذیر از جود و سجا مشمر» (صص ۹۸ - ۹۹). تعبیر کنایی باددستی در این عبارت بمعنای ولخرجی و زیاده‌روی است که وراوینی به آن توجه نموده است.

نیکی کردن به بندگان: وراوینی در سطور نخستین از باب دوم در ذکر «ملک نیکبخت و وصایایی که فرزندان را بوقت وفات نمود» در اوصاف پادشاه او را برخوردار از فره ایزدی میداند که سایه لطف و نیکی او بر آفاق گسترده شده است:

«نور نظر الهی از منظر و مخبر او سایه بر آفاق انداختی» (ص ۹۶).

در این عبارت «سایه افکندن» کنایه از التفات و توجه نمودن است. وراوینی با این عبارات بصورت ضمنی مشروعیت و محبوبیت حاکم را در گرو لطف و محبت وی نسبت به بندگان و مردمان کشور ذکر نموده است و بقصد نشان دادن سیرت انسانی و منش نیک ملوک، آغاز باب دوم را با عدالت‌پروری پادشاه و فره و داد او آغاز نموده است و هدف اصلی آن چیزی نیست جز ترویج مبانی اخلاق و کرامت انسانی.

پرهیز از سیه‌کاری و تباهی: از دیگر نکات اخلاقی که وراوینی در ضمن داستانهای خویش بصورت کنایی به آن اشاره دارد آن است که نباید بهیچ روی، با دروغ و ناراستی، خود را سیه‌روی نمود، ترکیب کنایی «سیه‌روی» در این نمونه در خدمت القای مفهوم موردنظر است:

«گفتار باکردار برابر دار و روی حال خویش بوصمت خلاف و سمت دروغ سیاه مگردان» (ص ۱۰۰).

دوری از نفاق: وراوینی در «داستان برزیگر با مار» با نکوهش نفاق و دورنگی ضمن تمثیلی با کنایه‌ای خیال‌انگیز، ابناء روزگار را از بر تن ساختن لباس تلوین و نفاق برحذر دانسته و میگوید:

«ابناء روزگار همه در لباس تلوین نفاق صنعت دورنگی دارند و در ناتمامی بمارماهی مانند و چون نهاد او را بر یک و تیرت و سیرت چنان یافت... بدین اعتبار در دامن صحبت او آویخت و دامن تعلق از مصاحبان ناتمام بیفشاند» (ص ۱۰۲).

در مثال یاد شده ترک دل‌بستگی و دوری از منافقان و ریاکاران را گوشزد نموده است.

نکوهش تلاش برای دستیابی به آرزوهای نفسانی: کنایه «دست و پای طلب زدن» در مثال زیر نمونه‌ای دیگر از نصایح اخلاقی ورواوینی در توصیه به عدم وابستگی به دنیا و لذت‌های آن است:

«و ابدال‌بدین و دهرالداهرین در حبس آرزوهای خویش، دست و پای طلب میزند» (ص ۱۲۲).

استعاره: کاربرد زبان بمنظور بازتولید گفتمان اخلاقی و تعلیمی به غیر از نیاز به بیان مستقیم و بهره‌گیری از امکانات زبان بجهت تأثیرگذاری بهتر و بیشتر بر مخاطب، به عوامل دیگر از جمله توجه به جوهره شعری و تازه کردن سخن بکمک صورخیال‌انگیز و بلاغی از جمله استعاره نیز گاه نیازمند است. در زبان ادبی، محور اصلی تمرکز نویسندگان بر اغراض و معانی ثانویه الفاظ میباشد و کاربرد کلمه در معنای استعاره و ثانویه در حقیقت به نویسنده این امکان را میدهد تا قدری از واقعیتهای معمول و متعارف زبانی فراتر رفته و بتواند با بهره‌گیری از تصویرآفرینی

و خیال‌انگیزی بلاغی، مقصود خویش را ارائه نماید تا آنجا که مخاطب بتواند با این شگرد، معانی هنری را درک و دریافت نماید. در تعریف استعاره آمده است «هر استعاره، شکل تکامل یافته و خلاصه شده یک تشبیه زیباست و شاید هیچکدام از صورخیال شاعرانه به اندازه استعاره در آثار ادبی و بویژه شعر اهمیت نداشته باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۱: ص ۱۲۱). آنچه وراوینی در بیان مفاهیم اخلاقی و تعلیمی از کاربرد کلمه در معانی استعاره‌ای اراده مینماید بیشتر در جهت اقناع مخاطب، ترغیب وی به رفتار درست و پرهیز از امور ناپسند است. در ادامه استعاره‌های اخلاقی باب دوم مرزبان‌نامه را تحلیل و ارزیابی خواهیم نمود.

در بیان پرهیز از دروغ و ناپسندی و زشتکاری: در عبارت زیر «روی حال» استعاره مکنیه‌ای است که وراوینی بکمک آن مخاطب خویش را از ناراستی و پلیدی برحذر میدارد:

«وگفتار با کردار برابر دار و روی حال خویش به وصمت خلاف و سمت دروغ سیاه مگردان» (ص ۱۰۰).

در توصیه به عاقبت‌اندیشی: وراوینی در «داستان غلام بازرگان» در توصیه به عاقبت‌اندیشی و نصب‌العین قرار دادن عقل و خرد با بهره‌گیری از استعاره مکنیه «چشم دل گشودن» میگوید:

«مرا چشم دل می‌باید گشود و نیک در روی این نگرست تا ببینم که چنین اتفاق آسمانی چون افتاد» (ص ۱۱۰). و در ادامه استعاره مکنیه دیگری را برای دوران‌اندیشی و عاقبت‌نگری چنین مورد استفاده قرار میدهد: «شب آبستن حوادث است، هرگز به چنین روزی کجا زاد؟» (همان).

در ادامه وراوینی از زبان بازرگان عاقبت‌اندیش که در جزیره‌ای گمنام توسط مردمان برای پادشاهی موقت و سپس بر دار آویخته شدن، انتخاب شده بود، چاره و تدبیر کار را چنین عنوان میکند و توصیه مینماید که باید برای خلاصی از مهلکه عاقبت‌اندیش بود و سختیها را به جان و دل خرید تا «روی مقصود» را مشاهده نمود؛ ترکیب استعاره «روی مقصود» استعاره‌ای مکنیه است که مورد توجه قرار گرفته است:

«غلام [بازرگان] گفت: اکنون گوش به اشارت من دار و آنچه من فرمایم در آن اهمال و تأخیر مکن و با تحمل مشاق، آن حلاوتی که آخر کار بمذاق تو خواهد رسید، برابر دیده دل نصب میکن تا روی مقصود به آسانی از حجاب تعذر بیرون آید» (ص ۱۱۳).

ناپایداری دنیا: وراوینی در باب دوم و در نخستین داستان در ذکر «ملک نیکبخت و وصایایی که فرزندان را بوقت وفات فرمود» در توصیف امور حسنه بکمک استعاره ناپایداری عمر و روزگار را چنین توصیف مینماید:

«چون ملک را نوبت پادشاهی بسرآمد و این دو فراش زنگی و رومی که سراپرده کبریا او بر عرش زدندی، فرش عمرش در نوشتند، هنگام آن فراز آمد که از این جهان بگذرد و بر دیگران بگذارد» (ص ۹۶).

استعاره فراش زنگی و رومی که استعاره از شب و روز است، در توصیف گذر عمر و ناپایداری دنیا مورد استفاده نویسنده قرار گرفته است. در بیان شاعرانه وی تنها «مشام عقل» است که این را درک میکند و متوجه میشود که گذار عمر باید سپاسگذار نعمات الهی بود:

معلوم کنید که بهترین گلی که در بوستان اخلاق بشکفتد و به نسیم آن مشام عقل معطر گردد، سپاس‌داری... ایزد است» (ص ۹۷). در این عبارت مشام عقل استعاره مکنیه است. در مثالی دیگر با دعوت به پرهیز از دلبستگی به دنیا، آن را «سراب غرور» میخواند:

«از خدعه این سراب غرور، در مستی شراب غرور بماند» (ص ۱۲۲).

نیز:

«اگر امروز در مکان نفس هر یک این معانی پوشیده است» (ص ۱۲۳).

در بیان روشن‌ضمیری و تلاش برای دستیابی به بصیرت حقیقی: وراوینی در تشویق مخاطبان به بصیرت جان و دل و روشن‌بینی حقیقی در ذکر ماجرای «شهریار بابل با شهریار زاده» در تمثیلی بمخاطبان خویش توصیه میکند که بینایی باطن، بسیار ارجمندتر و ارزشمندتر از داشتن چشم سر است: «بیچاره را اگرچه دیده ظاهر از مطالعه عالم محسوسات در بستند، بدیده باطن صحایف اسرار قدر، میخواند و شرح دستکاری قدم بر دست اعجاز عیسی بن مریم میدید و در پرده ممکنات قدرت ندای ابری الاکمه... بسمع خرد میشنید» دو ترکیب «دست اعجاز» و «سمع خرد» در توصیف قدرت باطنی و توانایی روحی که وراوینی برای شهریارزاده آورد در قالب استعاره مکنیه بکار رفته است.

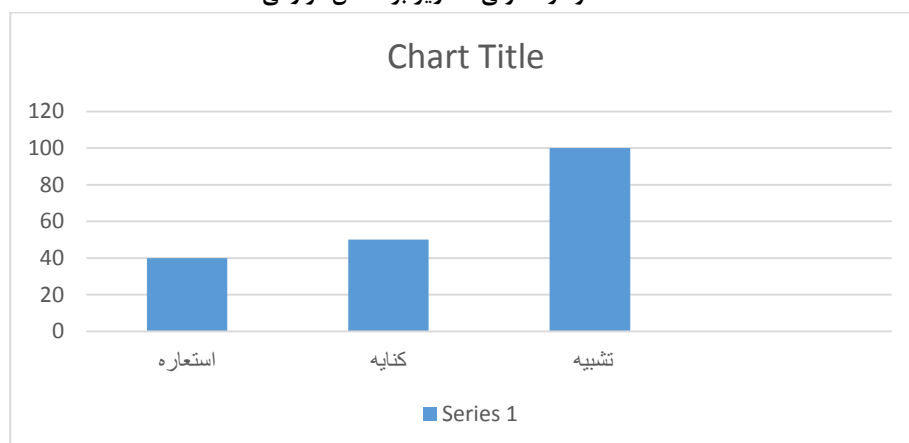
دوری از دیو نفس: در داستان «آهنگر و مسافر» دیو، استعاره‌ای از پلیدیهای نفس است که وراوینی با کمک تمثیلی زیبا از مخاطب میخواهد که به دام این دیو درنیاید و از آن فریفته شدن توسط او، بپرهیزد: «آدمی را برسن دیو فرا چاه نباید رفت» (ص ۱۵۰).

در نکوهش فتنه‌گری و سخن‌چینی: وراوینی در داستان «بط و روباه» در مذمت سخن‌چینی و دلسرد ساختن دو نفر نسبت به یکدیگر این عمل ناشایست را با استعاره‌ای زیبا مورد توجه قرار داده است: «[روباه] هر ساعت از این نوع، هیزمی زیر آتش طبیعت او مینهاد» (ص ۱۵۶). هیزم در این عبارت استعاره از سخنان فتنه‌انگیز میباشد.

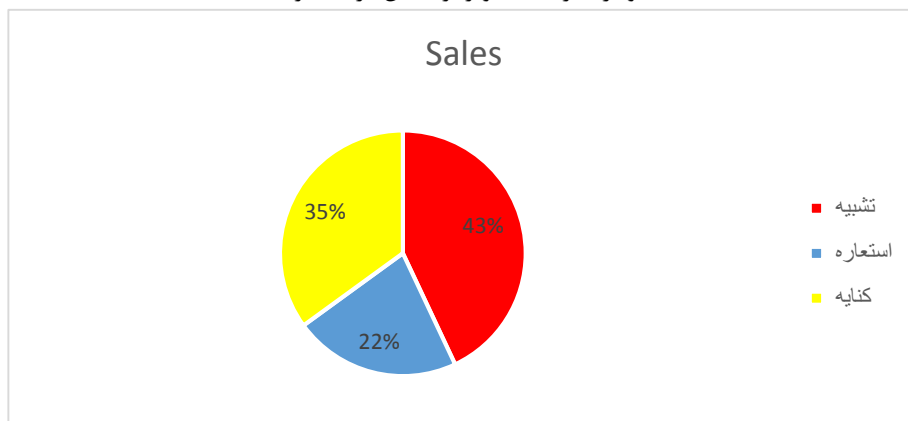
در ستایش دوست نیکو: در «داستان بازرگان با دوست دانا» وراوینی در نصیحتی که بازرگان در حق پسر خویش میکند، توصیفی از دوست نیک و ضرورت تلاش برای بدست آوردن دوستی خالص و یکرنگ را مدتظر قرار میدهد و استعاره «مشتی سیرت» در معنای نیکوسیرت چنین بکار میبرد: «[پدر گفت] چون قمر گرد کره زمین برای، باشد که در منازل سیر، بمشتی سیرتی رسی که بنظر مودت، ترا سعادت بخشد» (ص ۱۵۹).

لازم بذکر است که در ادبیات فارسی مشتري یا برجیس بسبب بزرگی و درخشندگی، بعنوان سعد اکبر شناخته میشود. مشتري که پنجمین صورت فلکی است طالعی سعد دارد و در گاه‌شماری قدیم، قاضی فلک نیز بوده است (ر.ک مصفا، ۱۳۸۱: ص ۷۳۷).

نمودار ستونی تصاویر بر اساس فراوانی



نمودار دایره‌ای تصاویر بر اساس درصدگیری



نتیجه‌گیری

هدف این جستار، تبیین و تحلیل کارکردهای القایی و اقناعی صورخیال از جمله تشبیه، استعاره و کنایه در بیان آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی در مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی بوده است. وراوینی با بهره‌گیری از صورخیال به توصیف، توضیح و شرح، تأکید و گاه تحذیر بسیاری از مسائل اخلاقی و موجه‌سازی عملکرد یا رد یک عمل و صفت اخلاقی در شخصیت‌های گوناگون داستانهای مرزبان‌نامه پرداخته است؛ وی با آفرینشهای ادبی هنرمندانه که محصول سبک و سیاق نثر فنی و ذوق سرشار و توانمندی وی است توانسته بر بسیاری از مضامین و اوصاف نیک در رفتار انسانی صحنه بگذارد و بخوبی وظیفه خویش در قبال خواننده را هم بجهت اقناع حس زیبایی‌شناسی و هم بیان اندرزها و آموزه‌های اخلاقی ایفا نماید. مفاهیمی چون عدم دلبستگی به دنیا، پرهیز از بیخردی، توجه به عاقبت‌اندیشی، دوری از اسراف و تبذیر، وفاداری، چاره‌اندیشی، دوری از نفس‌پرستی، تمسک به دوستان حقیقی و مفاهیمی از این قبیل بیشترین مضامین اخلاقی مورد توجه در باب دوم مرزبان‌نامه است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که اهداف اخلاقی وراوینی در قالب بهره‌گیری از هر سه عنصر خیال‌انگیز تشبیه، استعاره و کنایه در باب دوم مرزبان‌نامه، قابل توجه است اما تشبیه از عناصر مهم برجستگی و آراستگی کلام وی در جهت القای مضامین اخلاقی است تا جایی که میتوان اذعان داشت کاربرد تشبیه نسبت به استعاره و کنایه در بخش مورد بررسی در رتبه نخست قرار دارد.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دکتری با موضوع وجوه تشابه و تفارق تصاویر در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه استخراج شده است. آقای دکتر هوشمند اسفندیارپور راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای محمد حجت بعنوان مشاور و دانشجو ناصر پورمرادی پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت همه پژوهشگران میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر مجله بهار ادب و داوران محترم این مجله و مسئولان

پژوهش دانشگاه آزاد واحد بردسیر اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- proof Reza (2001). Gold in copper (in poetry). Tehran: Zaryab, p. 113.
- Spring. Mohammad Taghi (2012). Stylistics. The seventh edition. Tehran: Amirkabir, pp. 15 and 19.
- Poornamdarian Taghi (2002). Travel in fog. Tehran: Negah, p. 24.
- Poornamdarian Taghi (2004). in the shade of the sun second edition. Tehran: Sokhn, p. 30.
- glorify Jalil (1997). Meanings and expression. Eighth edition. Tehran: University Publishing Center, p. 84.
- Note Labi Othman Amr bin Bahr (2002). the animals Beirut: Al-Alami Press Institute, p. 132.
- an orator Hussein (2007). The art of prose in Persian literature. Third edition. Tehran: Zovar, p. 80.
- gave Sima (2006). Dictionary of literary terms. Tehran: Marwarid, p. 139.
- Dekhoda Ali Akbar (1998). dictionary. Tehran: Tehran University Press.
- goldsmith Abdul Hossein (1984). Honest poetry, unmasked poetry. fourth edition. Tehran: Javidan, p. 64.
- Siyuti Jalaluddin Abdulrahman (2012). Proficiency in the sciences of the Qur'an. to print Tehran: Amirkabir, p. 159.
- Shafii Kadkani Mohammad Reza (2022). Sorkhaya in Persian poetry. Twenty-third edition. Tehran: Age, pp. 121-9.
- Shamisa. Cyrus (2003). Prose stylistics. The seventh edition. Tehran: Mitra, p. 76.
- Safa Zabihullah (1990). History of literature in Iran. C2. Third edition. Tehran: Ferdous, p. 1006.
- Alavi Moghadam Mahyar (1991). Theories of contemporary literary criticism (formalism and structuralism). Tehran: Samit, pp. 14-15.
- conquest Mahmoud (2006). Image rhetoric. Tehran: Sokhon, pp. 39-43 and 44.
- Caller. Jonathan (2003). Literary theory. Translation: Farzaneh Taheri. Tehran: Nashr-e-Karzan, p. 81.

- Mojtabai Fathullah (2011). A few points about Marzbannameh: its author and original language. Allameh's biannual scientific-specialist magazine. 11th year Series 33. pp. 177-188.
- The filter Abulfazl (2002). Dictionary of astronomical terms along with cosmic words in Persian poetry. Third edition. Tehran: Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies, p. 737.
- And again. Saad al-Din (2008). Marzbannameh Correction: Khalil Khatib Rahbar. 13th edition Tehran: Safi Alishah Publications.
- Hamai Jalaluddin (2010). Rhetoric techniques and literary industries. Tehran: Ahura, p. 205.
- Yousefi. Gholamhossein (2018). Meeting with people of pen. to print 2 volumes. Tehran: Elmi, p. 272.

فهرست منابع فارسی

- براهنی. رضا (۱۳۸۰). طلا در مس (در شعر و شاعری). تهران: زریاب، ص ۱۱۳.
- بهار. محمدتقی (۱۳۹۱). سبک‌شناسی. چاپ هفتم. تهران: امیرکبیر، صص ۱۵ و ۱۹.
- پورنامداریان. تقی (۱۳۸۱). سفر در مه. تهران: نگاه، ص ۲۴.
- پورنامداریان. تقی (۱۳۸۴). در سایه آفتاب. چاپ دوم. تهران: سخن، ص ۳۰.
- تجلیل. جلیل (۱۳۷۶). معانی و بیان. چاپ هشتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۸۴.
- حافظ. لایبی عثمان عمرو بن بحر (۱۴۲۳ هـ. ق). الحیوان. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ص ۱۳۲.
- خطیبی. حسین (۱۳۸۶). فن نثر در ادب پارسی. چاپ سوم. تهران: زوآر، ص ۸۰.
- داد. سیما (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید، ص ۱۳۹.
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب. عبدالحسین (۱۳۶۳). شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب. چاپ چهارم. تهران: جاویدان، ص ۶۴.
- سیوطی. جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۹۲). الاتقان فی علوم القرآن. چاپ دهم. تهران: امیرکبیر، ص ۱۵۹.
- شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۴۰۱). صورخیال در شعر فارسی. چاپ بیست و سوم. تهران: آگه، صص ۹ - ۱۲۱.
- شمیسا. سیروس (۱۳۸۲). سبک‌شناسی نثر. چاپ هفتم. تهران: میترا، ص ۷۶.
- صفا. ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۲. چاپ سوم. تهران: فردوس، ص ۱۰۰۶.
- علوی مقدم. مهیار (۱۳۷۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورت‌گرایی و ساختارگرایی). تهران: سمت، صص ۱۴ - ۱۵.
- فتوحی. محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن، صص ۳۹ - ۴۳ و ۴۴.
- کالر. جاناناتان (۱۳۸۲). نظریه ادبی. ترجمه: فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز، ص ۸۱.
- مجتبایی. فتح‌الله (۱۳۹۰). چند نکته درباره مرزبان‌نامه: مصنف و زبان اصلی آن. دوفصلنامه علمی — تخصصی علامه. سال یازدهم. پیاپی ۳۳. صص ۱۷۷ - ۱۸۸.
- مصفا. ابوالفضل (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۷۳۷.

وراوینی. سعدالدین (۱۳۸۷). مرزبان‌نامه. تصحیح: خلیل خطیب رهبر. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.

همایی. جلال‌الدین (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: اهورا، ص ۲۰۵.
یوسفی. غلامحسین (۱۳۹۸). دیدار با اهل قلم. چاپ دهم. ۲ جلد. تهران: علمی، ص ۲۷۲.

معرفی نویسندگان

ناصر پورمرادی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
(Email: naserpourmoradi.1242@gmail.com)
(ORCID: 0009-0004-3447-9512)

هوشمند اسفندیارپور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
(Email: esfandiarpour@bardsirau.ac.ir: نویسنده مسئول)
(ORCID: 0009-0006-3035-6229)

محمد حجت: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
(Email: m.hodjat@iauk.ac.ir)
(ORCID: 0000-0001-7393-2341)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Naser Pourmoradi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.

(Email: naserpourmoradi.1242@gmail.com)

(ORCID: 0009-0004-3447-9512)

Hooshmand Esfandiarpour: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.

(Email: esfandiarpour@bardsirau.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0009-0006-3035-6229)

Mohammad Hojjat: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: m.hodjat@iauk.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-7393-2341)